

بررسی تأثیر بکارگیری الگوی بهینه شده SBC بر رفتارهای صحیح مصرف قرص‌های خوراکی پیشگیری از بارداری

نوشین پیمان (Ph.D.)^۱، علیرضا حیدرنیا (Ph.D.)^۲، فضل‌الله غفرانی‌پور (Ph.D.)^۳، انوشیروان کاظم‌نژاد (Ph.D.)^۴، فرخنده امین‌شکروی (Ph.D.)^۵

۱- گروه بهداشت و مدیریت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی مشهد، مشهد، ایران

۲- گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳- گروه آمار حیاتی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف: کنترل جمعیت یکی از اهداف مهم در جهان امروز به حساب می‌آید و برنامه‌ریزی خانواده‌ها در استفاده از روش‌های پیشگیری مناسب، دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. سرمایه‌گذاری در آموزش بهداشت در زمینه استفاده بهتر و مناسب‌تر از امکانات موجود، می‌تواند در این امر کمک‌کننده باشد. مدل تغییر رفتار مرحله‌ای (SBC)، که طی پنج مرحله به وقوع می‌پیوندد، می‌تواند مدلی مناسب در توسعه و ارزشیابی برنامه‌های تنظیم خانواده، برای افراد و گروه‌ها باشد. مطالعه حاضر، با هدف تعیین تأثیر آموزش با استفاده از الگوی بهینه شده SBC در جهت کاهش حاملگی‌های ناخواسته، در زنان مصرف‌کننده قرص‌های خوراکی پیشگیری از بارداری صورت گرفته است.

روش بررسی: این پژوهش، یک کارآزمایی بالینی است که بر اساس الگوی بهینه شده SBC، در مصرف‌کنندگان قرص‌های پیشگیری از بارداری، در مراکز بهداشتی- درمانی شهر مشهد انجام شد. ابتدا اطلاعات با استفاده از پرسشنامه و به روش مصاحبه با ۲۹۰ نفر از زنان مصرف‌کننده قرص‌های خوراکی پیشگیری از بارداری که به طور تصادفی از مراکز بهداشتی انتخاب گردیدند، جمع‌آوری شد؛ سپس بطور تصادفی به دو گروه آزمون و شاهد تقسیم و براساس الگوی بهینه شده، مداخله آموزشی بر روی گروه آزمون اجرا گردید و در فواصل زمانی مشخص (۳ و ۶ ماه)، پس از آزمون انجام شد تا میزان تأثیر بکارگیری الگوی بهینه شده در افزایش رفتارهای صحیح مصرف قرص در نمونه‌های مورد پژوهش مشخص شود. از آزمون‌های غیر پارامتریک نظیر χ^2 ، من-ویتنی، ویلکاکسون و فریدمن برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شد و $p < 0/05$ به عنوان سطح معنی‌داری در نظر گرفته شده است.

نتایج: بین دو گروه آزمون و شاهد قبل از مداخله، تفاوت معنی‌داری وجود نداشت؛ اما پس از مداخله، اختلاف معنی‌داری در نمرات کسب شده در متغیرهای آگاهی، تأیید و تصویب، قصد رفتاری، عملکرد، حمایت درک شده، خودکارآمدی عمومی و خودکارآمدی تنظیم خانواده، در گروه آزمون مشاهده شد ($p < 0/01$)؛ همچنین عوارض جانبی و حاملگی‌های ناخواسته در گروه آزمون نسبت به گروه شاهد کاهش نشان داده است.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج مداخلات آموزشی در بهبود رفتارهای صحیح مصرف قرص‌های خوراکی پیشگیری از بارداری و در نتیجه حصول دو هدف عمده یعنی کاهش عوارض جانبی و کاهش حاملگی ناخواسته، توصیه می‌گردد ضمن فراهم نمودن تسهیلات بهداشتی برای خانواده‌ها، به توانایی آنان در زمینه خودکارآمدی، به منظور بهره‌گیری هرچه بیشتر از امکانات توجه شود؛ زیرا آموزش با در نظر گرفتن عامل خودکارآمدی، می‌تواند در کاهش هزینه‌های مربوط به بارداری‌های ناخواسته و مصرف نابجا و نامرتب روش‌های تنظیم خانواده و به ویژه قرص‌های پیشگیری از بارداری، مؤثر باشد.

کلید واژگان: آموزش بهداشت، الگوی بهینه شده SBC، بارداری ناخواسته، تنظیم خانواده، خودکارآمدی، قرص‌های خوراکی پیشگیری از بارداری، کارآزمایی بالینی.

مسئول مکاتبه: دکتر علیرضا حیدرنیا، گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

پست الکترونیک: Hidarnia@modares.ac.ir

دریافت: ۸۷/۹/۲۴ پذیرش: ۸۷/۱۲/۱۳